عکس‌ها: نفیسه باقری

یک‌سال از تعطیلی مرکز اسناد و رسانه‌های اصفهان می‌گذرد

مطبوعات قدیمی اصفهان زیر منگنه

بعید است آرشیو مطبوعات اصفهان که برای گندزدایی به تهران منتقل شده بود، در فروردین ماه به اصفهان برگردد

لیلا مقیمی | درهای آرشیو مطبوعات اصفهان، حالا بیش از یک‌سال است که به روی پژوهشگران، روزنامه‌نگاران و نویسندگان علاقه‌مند به تاریخ و مطبوعات، بسته است؛ آرشیوی که شامل ۱۰ هزار جلد هر جلد حاوی دوره های ۶ماهه یا یک‌ساله - و بیشتر از نسخ چاپ‌شده نشریاتی از اصفهان و ایران و دیگر کشورهای منطقه و اروپا و آمریکاست و تعدادی از اسناد فارسی‌اش در دنیا دست‌نیافتنی است. گفته می‌شود بیش از ۵میلیون صفحه آرشیو مطبوعات شامل صفحاتی بی‌نظیر و کم‌نظیر از تاریخ مطبوعات معاصر ایران از دوره قاجار تاکنون در این مجموعه که نزدیک به ۹۰ درصد آن اهدایی است، نهفته. این آرشیو، اما سالیان سال در زیرزمین تنگ و تاریک مجتمع «صائب» که رو به آرامگاه این شاعر فرهیخته دارد روزگار مهجور و ناخوشی را طی کرد و تن رنجور و خاک‌گرفته‌اش هر بار به بهانه‌ای لرزید. ورودی این آرشیو هیچ تابلویی نصب نشده بود و به‌دلیل عدم تبلیغ و ترویج درباره چنین گنجینه عظیمی در اصفهان که گفته می‌شود بعد از کتابخانه‌های ملی ایران و آستان قدس رضوی و فارس نمونه آن در کشور نایاب است، تنها افراد معدودی به آن رفت‌وآمد داشتند. موضوعی که اتفاقا بارها از سوی مسئولان مختلف تکرار و به دستمایه‌ای برای تعطیلی این مکان تبدیل شد: «تعداد افرادی که به آرشیو مطبوعات رفت‌وآمد دارند به اندازه انگشتان دست هم نیست؛ پس فعالیت آن سودی ندارد و هزینه اضافی است.» مخزن صائب سال گذشته به کتابخانه ملی ایران منتقل شد تا پای همان اندک مراجعه‌کننده نیز از آن‌جا بریده شود. آنهایی که حالا به هر دری می‌زنند تا شاید بتوانند در بسته آرشیو مطبوعات را باز کنند و آب رفته را به جوی باز گردانند، تلاش‌های‌شان بعد از یک‌سال نه‌تنها به جایی نرسیده که نشان می‌دهد برخوردها با این موضوع چند سویه است. از یک‌سو مسئولانی که دستی در انتقال آرشیو مطبوعات اصفهان به کتابخانه ملی ایران داشته‌اند دلیل کارشان را آفت‌کشی و گندزدایی آرشیو در کتابخانه ملی و نامناسب بودن فضای زیرزمین صائب برای نگهداری این مجموعه بیان می‌کنند: «فضای قبلی بسیار بد بود و باعث تخریب این اسناد شده بود. از طرف دیگر این آرشیو نیاز به گندزدایی و میکروب‌کشی داشت که امکان آن در اصفهان میسر نبود و حتما باید به تهران منتقل می‌شد.» از سوی دیگر پژوهشگرانی که سال‌هاست برای انجام کارهای علمی و پژوهشی خود از این آرشیو استفاده می‌کنند این دلایل را برنمی‌تابند. آنها می‌گویند: «برخی از اسناد جدید بودند و اصلا نیازی به آفت‌کشی نداشتند. چه دلیلی دارد که همه مخزن به یکباره منتقل شود؟ آفت‌کشی در اصفهان نیز میسر بود و اصلا نیازی به انتقال نبود. برخی از این اسناد به قدری قدیمی و آسیب‌دیده بودند که کوچکترین حرکتی می‌توانست از بین ببردشان پس با انتقال این اسناد که یک‌بار به مرکز اسناد اصفهان صورت گرفت و بعد از آن‌جا به تهران قطعا تعداد زیادی از آن از بین رفته است.»

زمزمه آغاز یک اتفاق تلخ

زمزمه‌های تعطیلی و انتقال آرشیو مطبوعات اما از سه‌سال پیش و در زمان مدیرکل اسبق فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اصفهان پا گرفت، چراکه او معتقد بود مطبوعات جزو اسناد هویتی به شمار نمی‌روند. همچنین مراجعه‌کنندگان مجموعه صائب نیز بسیار اندک هستند. قطبی در گفت‌وگو با «شهروند» اصرار دارد تمامی اسنادی که قابلیت نگهداری در کتابخانه ملی را داشته‌اند، از طرف کارشناسان سازمان اسناد شناسایی و در زمان مدیریتش به تهران منتقل شده‌اند؛ موضوعی که مدیرکل سابق ارشاد و مدیر مرکز اسناد اصفهان زیر بارش نمی‌روند و آن را تأیید نمی‌کنند. این گونه که قطبی می‌گوید: «اسنادی که هویت ملی دارند یا اسناد ضروری و مهم کشور را تشکیل می‌دهند باید زیرنظر سازمان اسناد نگهداری شوند یا این که با تشخیص این سازمان می‌توانند در فضای استاندارد اداره‌ای بایگانی شوند. زمان مدیریت بنده نیز با تشخیص کارشناسان سازمان اسناد، تمامی اسناد هویتی که نزدیک به دو سه کارتن بودند به این مکان منتقل شد؛ اما درباره باقی آرشیوی که در مجموعه صائب وجود دارد؛ اعم از روزنامه‌ها، مجلات، کتاب‌های خطی و... از آن‌جا که سند هویتی به شمار نمی‌آمدند تشخیص داده شد که در مرکز اسناد یا آرشیو مطبوعات با شرایط خاص نگهداری شوند؛ مثلا آفت‌کشی شوند یا برای‌شان شناسنامه و کد صادر شود. همه این کارها زمان‌بر است و طول می‌کشد.» قطبی باوجود اصرار به تعطیلی مرکز اسناد و مطالعات رسانه‌ای اصفهان در زمان مدیریتش حالا آن را انکار می‌کند و برای مخالفت‌هایش دلایل دیگری می‌آورد: «متاسفانه فضایی که آرشیو مطبوعات اصفهان در آن نگهداری می‌شد، شرایط خوبی نداشت. از طرف دیگر مراجعه‌کنندگان که تعدادشان کم بود، به مخزن رفت‌وآمد داشتند. اصرارمان این بود سیستمی برای این مرکز در نظر گرفته شود که افراد اجازه ورود به مخزن را نداشته باشند و تنها از اسکن آرشیو استفاده کنند.» تلاش‌های مختلف برای تعطیلی آرشیو راه به جایی نبرد و این مرکز با حمایت برخی از چهره‌های فرهنگی همچنان به فعالیت خود ادامه داد. عباس مقتدایی، نماینده مردم اصفهان در مجلس نهم که مدعی است، بارها از مرکز اسناد و رسانه‌های اصفهان بازدید کرده و از نزدیک با مشکلات آن آشنا بوده در گفت‌وگو با «شهروند» معتقد است: «متاسفانه اهتمام جدی و قابل قبولی برای حفظ و نگهداری این مجموعه و رشد و ارتقای آن در سال‌های اخیر از سوی ارشاد مشاهده نشده یا حداقل به گوش ما نرسیده است. با توجه به این که آرشیو رسانه‌ها زیرمجموعه ارشاد بود، انتظار می‌رفت این اداره اهتمام بیشتری به گنجینه کم‌نظیر صائب نشان بدهد. سه‌سال پیش که خبرهایی مبنی بر انتقال آن شنیدم سعی کردم به هر نحوی شده مانع این کار شوم. این اتفاق هم افتاد و به‌همین دلیل نیازی به طرح این مسأله در صحن مجلس نبود.»

کودکی که رها شد

انتقال مرکز اسناد و رسانه‌های اصفهان تا زمانی به تعویق افتاد که حبیب‌رضا ارزانی جایگزین قطبی شد و سکان مدیریت ارشاد اصفهان را به دست گرفت. قصه هم از آن‌جا شروع شد که مراجعه‌کنندگان حدود یک‌ماه شاهد بسته‌بندی آرشیو مطبوعات و سپس انتقال آنها به مرکز اسناد اصفهان بودند؛ انتقالی که حبیب‌رضا ارزانی در گفت‌وگو با «شهروند» دلیلش را ساماندهی این مجموعه و سپردن آن به متولی اصلی‌اش می‌داند؛ مانند کودکی رها شده که باید به آغوش مادرش بازگردد؛ درحالی که پای تمامی اسناد این مرکز مهر ارشاد خورده است و اما حالا مدیری که بانی انتقال و تعطیلی آرشیو صائب شده، خبری از سرنوشت آن ندارد. «در کشور سازمان مستقلی وجود دارد که موظف به نگهداری تمامی اسناد دیقیمت است؛ همانند مجموعه و آرشیو مطبوعات اصفهان. در اصفهان به‌دلیل این که این سازمان تاکنون هویت و جایگاه مستقل را نداشته، اداره ارشاد به حفظ و نگهداری مرکز اسناد و مطالعات رسانه‌ای مبادرت می‌کرد. من سه‌سال پیش که به ارشاد آمدم بازدیدی از این آرشیو داشتم. وضعیتش بسیار نامطلوب بود؛ فضایی نم کشیده و تاریک که در روز تنها دو سه نفر مراجعه‌کننده داشت، اما ارشاد نیز نمی‌توانست هزینه‌ای برای نگهداری آن پرداخت کند، چون وزارتخانه بودجه‌ای به این مسأله اختصاص نمی‌داد، چراکه سازمان اسناد باید از آن نگهداری می‌کرد؛ بنابراین تصمیم گرفته شد این مرکز به متولی خود واگذار شود. نامه‌ای تنظیم و از مرکز اسناد اصفهان درخواست کردیم که عهده‌دار این مسئولیت شود، اما متاسفانه در این‌باره تبلیغ منفی شد و برای همین هم الان شما این سوالات را از من می‌پرسید، درحالی که ما دقیقا فرزندی را که پدر و مادرش مشخص نبودند و تا به آن لحظه وظیفه حفاظت از آن را داشتیم به اهل خود واگذار کردیم.» ارزانی در پاسخ به این سوال که آیا می‌دانید در حال حاضر این آرشیو در کجا نگهداری می‌شود و چه بلایی سرش آمده، می‌گوید: «وقتی نهادی وظیفه این مسئولیت را به عهده می‌گیرد و کارش این است، ما دیگر نمی‌توانیم سرنوشت این اسناد را پیگیری کنیم. متولیان این مسأله به نگهداری این اسناد علاقه‌مند هستند و اصلا کار اصلی و وظیفه ذاتی‌شان همین است. هر چیزی که در جای خود قرار بگیرد؛ مسلما وضع خوبی پیدا می‌کند. اگر به قول شما این اسناد به تهران منتقل شده باشد، مراتبی صورت خواهد گرفت که تمامی دنیا بتوانند از آن استفاده کنند، نه این که اسناد در زیرزمینی ناشناخته نگهداری شود که فقط روزی دو سه نفر به آن مراجعه می‌کنند.» ارزانی خبر سرگردانی محققان، نویسندگان و روزنامه‌نگاران را که می‌شنود می‌گوید اگر چنین اتفاقی افتاده می‌توانم با مدیرکل جدید صحبت کنم و از او بخواهم تا با تجهیز این مکان، آرشیو در همین مجموعه دوباره گردآوری شود؛ البته زیرنظر مرکز اسناد اصفهان. مرکزی که گفته می‌شود قرار است پس از آفت‌کشی و میکروب‌زدایی آرشیو رسانه‌های اصفهان به محلی برای نگهداری آن تبدیل شده و کادر اداره‌ای آن به مکان دیگری منتقل شود. هرچند گفته می‌شود این آرشیو تا اوایل سال آینده به اصفهان بازمی‌گردد، اما شواهد و قرائن موجود این مسأله را تأیید نمی‌کنند. نقل‌قول‌های ضد و نقیض و همچنین اظهاربی‌اطلاعی برخی از متولیان فرهنگی اصفهان از این ماجرا گواهی بر این ادعاست. مختار باقری، رئیس مرکز اسناد اصفهان که معتقد است آرشیو رسانه‌های اصفهان درحال حاضر در کتابخانه ملی تهران در حال ضدعفونی و گندزدایی است به «شهروند» می‌گوید: «پس از آن نیز این اسناد در سیستم کتابخانه ثبت و ضبط می‌شود و بر روی سامانه قرار می‌گیرد تا همه از آن استفاده کنند. پس از انتقال نیز تا زمانی که فضای مناسبی برای نگهداری آن معین شود، در ساختمان مرکز اسناد اصفهان که استانداردهای لازم را دارد حفظ می‌شوند تا جای مناسبی برای‌شان انتخاب شود. مرکز اسناد هم به ساختمانی در محله زینبیه اصفهان منتقل می‌شود. خود این ساختمان اسناد فعلا موقت و حالت مسکن است، هرچند در جابه‌جایی که انجام دادیم ممکن است برخی از آنها حداقل آسیب را ببینند؛ گرچه روش استاندارد و کارتن‌های مخصوص برای جابه‌جایی داریم و با شرایط خاص آنها را جابه‌جا می‌کنیم. از طرف دیگر بحث اعتبارات آن در استانداری و سازمان مدیریت برنامه‌ریزی دنبال می‌شود. اگر اعتبارات لازم را در اختیار بگذارند و تعمیرات لازم را انجام بدهند، آرشیو به اصفهان برمی‌گردد. پیش‌بینی شده بود که این آرشیو تا اوایل سال آینده به اصفهان منتقل شود و حدود ۲۵۰ تا ۳۰۰ میلیون تومان اعتبار هم برای این کار اختصاص داده شده، اما بعید است تا فروردین ماه این اتفاق بیفتد.»

> **برخی از اسناد جدید بودند و اصلا نیازی به آفت‌کشی نداشتند. چه دلیلی دارد که همه مخزن به یکباره منتقل شود؟ آفت‌کشی در اصفهان نیز میسر بود و اصلا نیازی به انتقال نبود. برخی از این اسناد به قدری قدیمی و آسیب‌دیده بودند که کوچکترین حرکتی می‌توانست از بین ببردشان**

یکی از مهمترین انتقادهایی که به انتقال آرشیو مطبوعات اصفهان به تهران می‌شود این است که امکان آفت‌کشی و میکروب‌زدایی در اصفهان نیز وجود دارد، همچنین بخش زیادی از این مجموعه جدید هستند و اصلا نیازی به آفت‌کشی ندارند. اما باقری با این موضوع موافق نیست، آن‌جا که می‌گوید: «فرقی نمی‌کند؛ حتی اسناد و روزنامه‌هایی که جدید هستند، چون در مکانی قرار می‌گیرند که استاندارد نبوده، باید آفت‌کشی شوند. اگر اسناد و نشریات جدید هم در فضایی نامناسب قرار بگیرند، از بین می‌روند؛ منتهی آنهایی که قدیمی‌ترند، زودتر از بین می‌روند تا آنهایی که جدیدتر و به‌روزتر هستند. زیرزمین آرشیو صائب نیز از حداقل استاندارد برای نگهداری این اسناد برخوردار بود، بنابراین اعتقادمان این است که این مجموعه را از خطر از بین رفتن نجات داده‌ایم، چون فردی که مسئول آن‌جا بود به این مسأله پی برده و از طرف دیگر آن‌جا مراجعه‌کننده نداشت، ولی در اصفهان برخی مدام می‌پرسند چرا آرشیو به تهران منتقل شده است؟ برای این کارمان دو هدف داریم؛ نخست این که منابع ارزشمند قدیمی و تاریخی و امروزی که در بخش خصوصی یا دولتی تولید می‌شوند، گردآوری شوند تا اصل و فیزیک آنها در فضایی استاندارد نگهداری شود و از بین نرود. دوم این که اطلاعات موجود در آن به صورت اسکن‌شده در سامانه قرار بگیرد تا جامعه علمی و پژوهشی اصفهان و کشور بتوانند از آن استفاده کنند. علاوه‌براین پس از انتقال این مجموعه به اصفهان دیگر اجازه ورود افراد به مخزن داده نمی‌شود و همه باید از اسکن آن استفاده کنند و هزینه‌ای مطابق با تعرفه‌های موجود بپردازند. وقتی این منابع در اصفهان موجود باشد، فقط اصفهانی‌ها از آن می‌توانند استفاده کنند، درحالی که اگر در سامانه قرار بگیرند، همه می‌توانند از آن استفاده کنند. یونسکو امروز از این اسناد به‌عنوان میراث بشری یاد می‌کند، پس آنها متعلق به یک استان یا یک شهر نیستند. مرجع قانونی و رسمی نگهداری از این اسناد نیز طبق قانون مرکز اسناد و کتابخانه ملی است، گرچه ما هم مثل همه حوزه‌ها و زمینه‌های دیگر موازی‌کاری داریم و دستگاه‌های دیگر نیز از آنها نگهداری و نظارت می‌کنند. در همه دنیا هم به این گونه است که جامع‌ترین و معتبرترین مرکز نگهداری اسناد آن‌جاست، چون هم تخصص دارد و هم فضای استاندارد برای نگهداری از آن. اگرچه این اسناد از قبل زیر نظر ارشاد نگهداری می‌شدند، اما از ابتدا باید این وظیفه به مرکز اسناد سپرده می‌شد. این پروسه طول کشید تا شرایط مناسب در اصفهان فراهم شود.» باقری در مخالفت با گفته قطبی که مدعی است اسناد هویتی سه‌سال گذشته به تهران منتقل شده‌اند، می‌گوید: «این اسناد هم دو کارتن بودند که همزمان با باقی اسناد به تهران فرستاده شدند. نشریه، کارت‌پستال، پوستر، روزنامه، مجله، اقلام تبلیغاتی نامزدها و... همه در اسناد نگهداری می‌شوند و هیچ‌فرقی نمی‌کند که نوع‌شان چه باشد.»

هویت از دست رفته

پژوهشگران و تاریخ‌دانانی که پای ثابت آرشیو مطبوعات اصفهان بودند، اما با هیچ‌کدام از این حرف‌ها قانع نمی‌شوند و همه آنها را بهانه می‌دانند، بهانه‌ای برای تعطیلی این مرکز و استفاده از فضای آن برای فعالیت‌های دیگر. آنها پس از انتقال آرشیو نگران بودند که مبادا دیگر نتوانند دور هم جمع شوند و از تورق مجلات و نشریات قدیمی و زهوار رفته لذت ببرند، اما حالا دیگر امیدی به بازگشت این منبع ارزشمند به اصفهان ندارند، منبعی که بخش مهمی از آن هویت و تاریخ اصفهان را روایت می‌کرد و در جای دیگری یافت نمی‌شد. فروغ‌الزمان نوری، کارمند بازنشسته ارشاد در قسمت کتابخانه‌ها که حدود ۱۰ سال با این آرشیو زندگی کرده و در جمع‌آوری و تکمیل آرشیو نقش بسزایی داشته در گفت‌وگو با «شهروند» معتقد است این نقل‌وانتقالات باعث از بین رفتن بخش زیادی از آرشیو می‌شود، چنانچه در جریان انتقال آرشیو از کتابخانه ابن‌مسکویه به زیرزمین صائب در حدود ۱۰ سال پیش نیز تعداد زیادی از این اسناد آسیب دیده یا به سرقت رفته‌اند. نوری که سال ۷۳ پیشنهاد جمع‌آوری مطبوعات اصفهان را مطرح کرده، می‌گوید: «مطبوعات اصفهان از کتابخانه‌های ابن‌مسکویه، فرهنگ شماره یک و دو و کتابخانه امیر قلی امینی جمع‌آوری و سپس در طبقه فوقانی کتابخانه ابن‌مسکویه دایر شد. بعد از آن با رفع نواقص بنده از این آرشیو فهرست‌برداری کردم که کتاب فهرست آن نیز تهیه شده و اکنون موجود است. اما این آرشیو پس از مدتی دوباره با مشکل مکان روبه‌رو شد، به همین دلیل هم از طبقه فوقانی ساختمان کتابخانه، به زیر زمین انتقال داده شد. در سال ۱۳۸۳ یعنی یک‌سال بعد از بازنشستگی من نیز این آرشیو دوباره به زیرزمین کتابخانه تازه تأسیس صائب انتقال داده شد، چون اداره امور کتابخانه‌ها از اداره کل تفکیک و مکان کتابخانه مطبوعات ابن‌مسکویه به آنها واگذار شد. متاسفانه بخش زیادی از این اسناد در جریان نقل و انتقالات از بین رفتند و آسیب دیدند، البته باید بگویم که زیرزمین صائب به‌مراتب فضای بسیار بهتری نسبت به کتابخانه ابن‌مسکویه داشت، اما این که چرا اکنون این مکان تعطیل شده است جای تعجب دارد.» مرجان ریاحی، مسئول نگهداری از آرشیو مطبوعات صائب اصفهان که در گفت‌وگو با رسانه‌ها فضای زیرزمین صائب را فاقد شرایط مطلوب برای نگهداری آرشیو دانسته بود، اما حالا تحت هیچ شرایطی راضی به گفت‌وگو با «شهروند» نمی‌شود و ترجیح می‌دهد در این‌باره سکوت اختیار کند. محمدحسین خسروپناه، نویسنده و پژوهشگر در حوزه تاریخ معاصر ایران که پای ثابت مرکز اسناد و رسانه‌های اصفهان بوده، یکی دیگر از منتقدانی است که انتقال آرشیو مطبوعات اصفهان به تهران برای میکروب‌زدایی را بی‌اساس می‌داند و می‌گوید اداره کل ارشاد در هیچ دوره‌ای علاقه‌ای به نگهداری و حفظ این آرشیو نداشته است. این گونه که او به «شهروند» می‌گوید این آرشیو متعلق به دوران قاجار تاکنون است، بخش‌هایی از روزنامه‌های منتشرشده در دوره‌های مختلف به زبان فارسی در ایران و همچنین در کشورهای دیگری مثل عثمانی، هندوستان، باکو و... . برخی از رجال سیاسی مشترک این روزنامه‌ها بودند و آنها را در اختیار داشتند و بعدها آن را به کتابخانه شهرداری یا شماره یک اهدا کرده بودند. این آرشیو منبع بسیار خوبی برای محققان اصفهانی و حتی ایرانی‌هاست. تعدادی از روزنامه‌هایی که در این آرشیو وجود دارد، نمونه‌اش شاید در شیراز و تهران یافت شود، حالا به دلیل انتقال این مجموعه به تهران پژوهشگران برای استفاده از این منابع مجبور هستند یا به تهران بروند یا به شیراز و هزینه‌های بسیاری صرف کنند.» خسروپناه خلاف گفته‌های رئیس مرکز اسناد که وظیفه نگهداری از روزنامه‌ها و مجلات را به عهده سازمان اسناد می‌داند، معتقد است این آرشیو از قبل از انقلاب تاکنون زیر نظر ارشاد فعالیت کرده است و تمامی اسناد موجود در آن مهر این اداره را دارند. نبود بودجه یا تعداد کم مراجعه‌کننده به این مرکز دال بر بی‌مسئولیتی ارشاد نسبت به این آرشیو نیست. آیا این قابل‌قبول است که اداره ارشاد حدود ۷۰ سال حفاظت از اموالی را به عهده گرفته که متعلق به ارگان دیگری بوده است؟ چطور یک‌دفعه به این مسأله پی بردند؟ من فکر می‌کنم به‌خاطر این که این جا مراجعه‌کننده نداشت، تعطیل شد؛ استدلالی که بارها از سوی مسئولان شنیده‌ایم، اما مگر خود مرکز اسناد در روز چه تعداد مراجعه‌کننده دارد؟ پس آن‌جا هم باید تعطیل شود؟ متاسفانه این اتفاق باعث تضعیف بنیه تحقیقی شده است، چون در این آرشیو هم روزنامه‌های محلی اصفهان وجود داشت و هم روزنامه‌های سراسری ایران و کشورهایی مثل هندوستان، قاهره و افغانستان و... . من با استفاده از همین آرشیو چندین کتاب و آرشیو نوشته‌ام. از طرف دیگر برخی از این اسناد جدید بودند و نیاز به آفت‌کشی نداشتند. در تمامی دنیا اسنادی که در حال تخریب هستند، به سرعت مرمت می‌شوند و باقی به تدریج، نه این که همه با هم به بهانه آفت‌کشی به جای دیگر منتقل شوند. این کار بدون کار کارشناسی انجام شده و می‌گویند تا فروردین ماه آرشیو به اصفهان برگردانده می‌شود، اما بعید می‌دانم!»